

## جایگاه انواع سرمایه در پایداری نسلی نظام بهره‌برداری خانوادگی

مهدی طالب<sup>۱</sup>

محمدجواد زاهدی<sup>۲</sup>

معصومه شفععی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۸

### چکیده

نتایج بیشتر پژوهش‌ها در ایران در حوزه نظام بهره‌برداری خانوادگی دلالت بر ناپایداری اقتصادی این واحدها دارد؛ از این‌رو در سال‌های اخیر، شناسایی زمینه‌های پایداری این واحدها به یکی از موضوعات مهمی تبدیل شده که پژوهشگران و برنامه‌ریزان به آن توجه داشته‌اند. با توجه به این موضوع و با وجود اینکه سوگیری‌های سیاستی و حمایتی دولتی، بیشتر به‌سوی واحدهای بهره‌برداری بزرگ‌مقیاس است، پرسش اصلی این است که چه عواملی زمینه‌ساز تاب‌آوری بهره‌برداری‌های خانوادگی در محدوده مورد مطالعه شده است؟ برای پاسخ به این پرسش از فضای مفهومی برگرفته از نظریه اجتماعی بورديو استفاده شد تا تحلیل جامعه‌شناختی متفاوتی از سازوکارهای بازتولید و مانایی نظام بهره‌برداری خانوادگی ارائه شود. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با اعضای ۱۴ خانواده بهره‌بردار (۳۵ مصاحبه) و برای تحلیل داده‌ها از راهبرد تحلیل محتوای کیفی «شیوه به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها» و تکنیک کدگذاری فرضیه‌ای استفاده شد. در مرحله تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیو دی‌ای ۲۰۱۸ و برای افزایش قابلیت اتکا از نوار ابزار «توافق کدگذاران» بهره برده شد. براساس تحلیل یافته‌ها، اعضای خانواده‌های بهره‌بردار از شکل‌های گوناگون سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین برای بقای واحد بهره‌برداری استفاده می‌کنند که در این میان، نقش سرمایه نمادین چشمگیر است. چرخه تبدیل شکل‌های گوناگون سرمایه به همراه راهبردهای بازتولید و تبدیل مجدد، در نهایت منجر به تداوم (بقا، تحول) یا خاتمه فعالیت واحد بهره‌برداری می‌شود. نتایج پژوهش این فرض را تقویت می‌کند که باید هنگام پژوهش در مورد نظام بهره‌برداری کشاورزی خانوادگی، عنصر «خانواده» را در نظر بگیریم. در واقع این مقاله با مطالعه نحوه کمک‌کردن تمامی افراد دخیل در کسب‌وکار (اعضای خانواده بهره‌بردار) به حفظ کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی، به‌جای تمرکز صرف بر نقش رئیس واحد بهره‌برداری (برحسب پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه در ایران انجام شده) نشان می‌دهد در میدان کشاورزی خانوادگی سطوح مختلفی از سرمایه افراد به شیوه‌هایی استفاده می‌شود که حفظ‌کننده نظام بهره‌برداری خانوادگی است و روابط بین اعضای خانواده نیز می‌تواند از سطوح مختلف سرمایه تأثیر بگیرد. با افزایش آگاهی در مورد کارکرد سرمایه‌های مختلف افراد، واحد بهره‌برداری خانوادگی می‌تواند از این سرمایه‌ها استفاده مؤثرتری داشته باشد، به‌ویژه اگر نحوه استفاده از سرمایه‌ها به نفع «تحول» کشاورزی خانوادگی باشد. **واژه‌های کلیدی:** انواع سرمایه، پایداری نسلی، خانواده روستایی، کارکنان خانوادگی بدون مزد نظام بهره‌برداری خانوادگی.

۱. استاد گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، taleb@ut.ac.ir

۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور، m\_zahedi@pnu.ac.ir

۳. دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران، sa.shafati@ut.ac.ir

## مقدمه و طرح مسئله

در ایران تقسیم اراضی (اصلاحات ارضی دهه ۴۰) موجب تغییراتی در بنیانها و بهره‌برداری‌های زراعی شد که مهم‌ترین آن‌ها گسترش بهره‌برداری‌های خانوادگی بود. پیش از تقسیم اراضی، تعداد کل کشاورزانی که به صورت بهره‌برداری مستقیم (خرده مالکی) به کار کشاورزی می‌پرداختند، حدود ۲۵ درصد خانوارهای روستایی بودند که با اضافه شدن زارعان صاحب نسق (مزارعه‌گران و اجاره‌داران) براساس آمار سال ۱۳۵۴، یعنی یک دهه پس از اصلاحات ارضی، بیش از ۶۰ درصد خانوارهای روستایی به بهره‌برداری مستقیم می‌پرداختند (وثوقی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). براساس آخرین سرشماری عمومی کشاورزی مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، تعداد ۴۰۱۵۹۱۷ واحد با عنوان بهره‌برداری کشاورزی در سطح کشور شناسایی شده‌اند که حداقل به یکی از فعالیت‌های زراعی، باغداری، تولید گلخانه‌ای، پرورش دام، پرورش ماکیان به روش سنتی، پرورش زنبورعسل و کرم ابریشم مشغول بوده‌اند. بیشتر این بهره‌برداری‌ها یعنی ۴۰۰۶۸۸۹ واحد بهره‌برداری خانوادگی است که به کمک اشخاص حقیقی یا همان کشاورزان و دامداران معمولی اداره می‌شود و تنها ۹۰۲۸ بهره‌برداری کشاورزی را اشخاص حقوقی (شرکت‌های رسمی و مؤسسات عمومی) اداره می‌کنند. به سخن دیگر در حال حاضر ۹۹/۸ درصد واحدهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران، از نوع بهره‌برداری خانوادگی است و تنها حدود ۰/۲ درصد متعلق به شرکت‌ها یا مؤسسه‌های عمومی است.

بهره‌برداری خانوادگی (دهقانی) به نظامی اطلاق می‌شود که «در آن بهره‌برداری سه عامل تعیین‌کننده نظام بهره‌برداری، یعنی مالکیت (تملک بر زمین زراعی)، حاکمیت (حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت، یا به سخن دیگر مدیریت کشاورزی) و فاعلیت (نظام کار و شکل فعالیت) را داراست» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸). در تعریف واحد بهره‌برداری خانوادگی گفته شده که «واحدی اقتصادی-اجتماعی است که در تملک یک خانواده واحد بوده و بخش اعظم نیروی کار مورد نیاز را خانواده بهره‌بردار تأمین می‌کند. همچنین مدیریت واحد بهره‌برداری به طور کامل یا حداقل بخشی مهم از آن، بر عهده رئیس خانواده است» (طالب، ۱۳۸۴: ۳۰۹). همچنین کمیته رهبری بین‌المللی<sup>۱</sup> سال جهانی کشاورزی خانوادگی که در ۲۰۱۴ به رسمیت شناخته شد تعریف مفهومی زیر را برای کشاورزی خانوادگی ارائه داده است:

«کشاورزی خانوادگی (که شامل تمامی فعالیت‌های کشاورزی مبتنی بر خانواده است) ابزاری برای سازمان‌دهی کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، صید و تولید آذینان است که توسط یک خانواده مدیریت و اداره شده و عمدتاً وابسته به نیروی کار خانواده از جمله زنان و مردان است. در این واحدها خانواده و مزرعه با یکدیگر در ارتباط بوده، همراه با هم تکامل پیدا کرده و عملکردهای اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی مشترک دارند» (فائو، ۲۰۱۳ b).

حوزه مورد مطالعه این پژوهش در روستای قودجان از توابع شهرستان خوانسار است. شهرستان خوانسار در غرب استان اصفهان قرار دارد و دارای سه دهستان به نام‌های پشتکوه، چشمه‌سار و کوهسار است. دهستان چشمه‌سار از سکنه و اهمیت بیشتری برخوردار است و دهستان‌های پشتکوه و کوهسار در ردیف‌های بعدی قرار دارند (طرح هادی روستا، ۱۳۸۶). روستای قودجان یکی از روستاهای دهستان چشمه‌سار از بخش مرکزی شهرستان خوانسار است. این دهستان به مرکزیت روستای قودجان در قسمت شرقی شهرستان خوانسار قرار دارد. فاصله این روستا تا شهر خوانسار نیز ۵ کیلومتر است. براساس نتایج حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و فرهنگ آبادی‌های شهرستان خوانسار، جمعیت روستای سال‌های ۱۳۳۵ (۱۶۱۸ نفر) تا ۱۳۷۵ (۱۲۲۱ نفر) روند نزولی داشته، اما در سال‌های بعد از آن با روندی معکوس و روبه‌افزایش همراه بوده است؛ به نحوی که جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ به ۱۴۷۲ نفر رسیده است. براساس اطلاعات میدانی، این روستا با توجه به دسترسی به شبکه ارتباطی و موقعیت خاص شهر خوانسار، احداث شهرک‌های منتظری و یاسر ۱ و ۲ در دو دهه اخیر در محدوده جغرافیایی روستا و وجود کارگاه‌ها و صنایع سبک در نزدیکی خود در حال حاضر مهاجرپذیر تلقی می‌شود. ویژگی خاص گردشگری مذهبی (برگزاری هر ساله مراسم تعزیه در روستا با جذب بالای گردشگر) و در چند سال اخیر مصادف شدن زمان برگزاری آن با فصل‌های خوش آب‌وهوای روستا و زمان برداشت محصولات کشاورزی که موجب رونق خرده‌فروشی سر مزرعه محصولات کشاورزی و فروش خشکبار شده است، در کنار موقعیت طبیعی و تاریخی روستا از دیگر عوامل مهاجرت معکوس در روستاست که در چارچوب آن، در سال‌های اخیر به‌ویژه مهاجرت فصلی افرادی که در شهر تهران ساکن هستند، اما به زادگاهشان و همچنین فعالیت‌های کشاورزی علاقه دارند، چشمگیر است.

براساس مطالعات اکتشافی اولیه در این روستا، برخی مهاجرانی که از شهر تهران به روستا بازگشته‌اند (هم افرادی که ساکن دائمی شده‌اند و هم افرادی که در خانه‌های دوم اسکان موقت دارند) پس از بازگشت، به کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی پدری خود ملحق شده‌اند و هریک به نحوی کسب‌وکار خانوادگی را احیا کرده یا تغییر داده‌اند. این موضوع که این افراد کسب‌وکار جدیدی را شروع نکرده‌اند و پس از بازگشت به روستا به کسب‌وکار خانوادگی پیوسته‌اند و حتی برخی از آن‌ها پس از ازدواج همچنان با خانواده قبلی خود همکاری می‌کنند، در کنار ادامه فعالیت‌های کشاورزی خانوادگی از سوی افراد میان‌سال و سالمندی که در روستا اقامت دائم دارند، این فرض را تقویت می‌کند که علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل دیگری نیز زمینه‌ساز نگهداشت و بازتولید کسب‌وکارهای کشاورزی خانوادگی در روستاست. با توجه به این اطلاعات زمینه‌ای به نظر می‌رسد می‌توان تحلیل جامعه‌شناختی متفاوتی از سازوکارهای بازتولید و مانایی نظام بهره‌برداری خانوادگی در این روستا ارائه داد. در بیشتر پژوهش‌های مربوط در ایران بر ناپایداری اقتصادی و ناکارآمدی این واحدها تأکید شده است (ایروانی و دربان آستانه، ۱۳۸۳؛ شیخی، ۱۳۸۵؛ کرباسی و نودهی، ۱۳۸۵؛ عبداللهی، ۱۳۷۷؛ نیکدخت و همکاران، ۱۳۸۶؛ حقوقی اصفهانی، ۱۳۹۱؛ مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵؛ زرنگار و دهقانی، ۱۳۸۵). همچنین سوگیری‌های سیاستی و حمایتی دولتی از دهه ۱۳۵۰ به بعد، بیشتر به سمت واحدهای بهره‌برداری بزرگ‌مقیاس مانند شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های تولید روستایی و کشت‌و صنعت‌ها بوده (طالب و نجفی، ۱۳۸۸؛ ازکیا، ۱۳۶۴؛ حقوقی اصفهانی، ۱۳۹۱)؛ از این‌رو این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چرا و چگونه واحدهای بهره‌برداری خانوادگی نسل به نسل منتقل و احیا می‌شوند و چه عواملی زمینه‌ساز تاب‌آوری بهره‌برداری‌های خانوادگی در این روستا شده است. همچنین چرا مهاجرت‌های معکوس به ایجاد کسب‌وکار جدید منجر نمی‌شوند و در بیشتر موارد به بازتولید و احیای کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی موجود یا قبلی می‌انجامند؟

#### ابزار مفهومی بوردیو: میدان، عادت‌واره (هیتاس) و انواع سرمایه

تفکر بوردیو به شکل ویژه با کارهایی مرتبط است که افراد در زندگی روزمره خود انجام می‌دهند. سهم نظری اصلی وی توسعه‌دادن ابزارهای مفهومی است (جنکینز، ۱۹۹۲). بوردیو

برای اتمام ترکیب عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی، مجموعه بدیع و تازه‌ای از مفاهیم را وضع کرد که با مفاهیم میدان، عادت‌واره (هیتاس) و سرمایه استحکام یافته و منسجم شده بود (واکوانت، ۲۰۰۲: ۳۳۸). میدان ماهیت بیرونی دارد و می‌توان آن را به‌مثابه شبکه یا پیکربندی‌ای از روابط عینی بین موقعیت‌ها تعریف کرد (بورديو و واکوانت، ۱۹۹۲: ۹۷). محور اصلی این مفهوم این نکته است که میدان‌ها متشکل از روابط اجتماعی هستند نه افراد یا ساختارهای اجتماعی. با استفاده از قیاس بازی، میدان شبیه به خود بازی است. بازی متشکل از مجموعه‌ای روابط میان بازیکنان است که حرکات بازیکنان دیگر در موقعیت‌های دیگر را پیش‌بینی می‌کند و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. بورديو آن دسته از روابط اجتماعی را به تصویر می‌کشد که میدان را رقابتی می‌کند؛ زیرا بازیگران برای دستیابی به موقعیت‌های نزدیک‌تر به منابع ضروری در میدان سرگرم رقابت‌اند (بورديو، ۱۹۸۶). به‌کمک فرایند تناقض، این منابع شکل‌های خاص سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نشان می‌دهند. مبارزه بر سر موقعیت‌ها در میدان روی ساختارها و عادات مربوط به آن تأثیر می‌گذارد؛ زیرا بازیگران تلاش می‌کنند میدان را حفظ کنند یا آن را تغییر دهند. جامعه نیز متشکل از میدان‌های گوناگون است و ترکیب آن‌ها از قبل تعیین‌شدنی نیست، بلکه به‌کمک پژوهش‌های تجربی مشخص می‌شود (ماهار و همکاران، ۱۹۹۰). به‌نظر می‌رسد میدان‌های متعددی وجود دارد، اما بورديو اشاره می‌کند که آن‌ها کاملاً مستقل از یکدیگر نیستند و روابط قدرت در یک میدان ممکن است بر موقعیت بازیگر در میدان دیگر تأثیر بگذارد.

در تضاد با میدان، عادت‌واره (هیتاس) ماهیتی درونی دارد و به معانی و رفتارهای مسلم و مشترکی که افراد در گروه اجتماعی استفاده می‌کنند اشاره دارد (بورديو و واکوانت، ۱۹۹۲). عادت‌واره سیستمی از وضعیت‌های پایدار و تغییرپذیر است که در ادغام با تجربه‌های گذشته در هر لحظه به‌مثابه ماتریسی از برداشت‌ها، قدرشناسی‌ها و اقدامات تلقی می‌شود و دستیابی به وظایف بی‌نهایت متنوع را امکان‌پذیر می‌کند (بورديو، ۱۹۷۷: ۲۱۴). از دیدگاه بورديو تمام افراد بشر کنشگرند؛ چه آن‌هایی که آگاهانه عملی را انجام می‌دهند و چه آن‌هایی که ناخودآگاه پذیرای سلطه‌اند. به بیان دیگر هم افراد فعال و هم افراد منفعل کنشگرند. کنش، عملی است که در میدان رخ می‌دهد. هر میدانی عرصه‌ای است که در آن نیروی بالقوه یا بالفعل با یکدیگر وارد تبادل

می‌شوند؛ بنابراین برای درک معنی عمل باید معنی میدان را درک کرد که خود حاصل تبادل میان نیروهاست. به عقیده بوردیو در هر میدانی میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی چهار نوع سرمایه ردوبدل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین. مفاهیم میدان، عادت‌واره و سرمایه مفهیمی هستند که ارتباطی درونی با یکدیگر دارند. به کمک این مفاهیم می‌توان هم‌زمان موارد مربوط به بازتولید (زمانی که ساختارهای ذهنی و اجتماعی با یکدیگر توافق دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند) و نیز موارد دگرگونی (زمانی که بین میدان و عادت‌واره ناسازگاری و ناهمخوانی پدید می‌آید) را که موجب نوآوری، بحران و تغییرات ساختاری می‌شود تشریح کرد (واکووانت، ۲۰۰۲: ۳۳۸).

سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اشاره می‌کند که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار باشند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سرمایه نوعی رابطه اجتماعی است؛ یعنی انرژی و توانی است که تنها در همان میدانی که در آن تولید و بازتولید شده وجود دارد و آثار خود را همان‌جا برجای می‌گذارد (بوردیو، ۱۹۸۴). تحلیل بوردیو درباره شکل‌های گوناگون سرمایه و روند پویای تغییر شکل آن‌ها در عرصه‌های مختلف، یکی از بدیع‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه اوست. جایگاه عوامل گوناگون درون یک میدان را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند تعیین می‌کند. فرد به کمک سرمایه می‌تواند بر سرنوشت خود و دیگران نظارت کند. می‌توان سرمایه را در طول زمان انباشته کرد. پتانسیل ایجاد سود و بازتولید نیز به همان شکل یا شکل‌های گسترده‌تر وجود دارد؛ به طوری که ممکن است کاهش هم بیابد (بوردیو، ۱۹۸۶). به زعم بوردیو (۱۹۸۶: ۴۲۲). «جهان اجتماعی باید با توجه به نقش سرمایه در تمامی شکل‌های آن درک شود، نه فقط بر مبنای شکل شناسایی شده آن توسط نظریه اقتصادی». کوشش برای به رسمیت شناختن آن اساس زندگی اجتماعی است و انباشتگی انواع خاصی از سرمایه، بخشی حیاتی از این تلاش است (بوردیو، ۱۹۸۴).

در تفکر اقتصادی، اصطلاح سرمایه در اصل به معنای مجموع انباشته‌شده پولی است که می‌توان آن را به امید سود آتی سرمایه‌گذاری کرد (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۲). بوردیو (۱۹۸۴: ۱۴) استدلال می‌کند سرمایه اقتصادی به‌رغم قابل مشاهده و ملموس بودن، تنها شکل مهم سرمایه در سرمایه‌داری صنعتی نیست. او چهار شکل گوناگون از سرمایه را شناسایی کرده است: سرمایه اقتصادی در معنای

سختگیرانه (ثروت مادی در قالب پول، سهام، اموال و...)، سرمایه فرهنگی (دانش، مهارت و دیگر دستاوردهای فرهنگی)، سرمایه اجتماعی (منابع واقعی یا بالقوه از شبکه‌های اجتماعی) و سرمایه نمادین (اعتبار یا افتخار انباشته). در اصل، بورديو سرمایه فرهنگی را دانش، تخصص و تجربه تعبیه شده در افراد و به دست آمده از ریشه‌های اجتماعی آن‌ها می‌بیند (بورديو، ۱۹۸۶). با توجه به این رویکرد، در زمینه کسب و کار خانوادگی، سرمایه فرهنگی می‌تواند نشئت گرفته از اشتغال طولانی مدت در کسب و کار کشاورزی خانوادگی، آموختن کسب و کار هم‌زمان با کارکردن با سایر اعضای خانواده یا از طریق تحصیلات باشد که به کسب و کار کشاورزی خانوادگی اجازه می‌دهد تجربه را وارد سرمایه‌گذاری جدید و آثار گوناگونی مانند لوح یا جایزه‌های آموزشی (عینی) و موفقیت‌های عملی قابل احراز را بازنمایی کنند.

بورديو (۱۹۸۶: ۲۸۴) استدلال می‌کند سرمایه اجتماعی مجموع منابع واقعی یا بالقوه است که مرتبط با مالکیت شبکه‌ای بادوام (طولانی مدت) از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل است و نوع و محتوای آن شکل گرفته از وضعیت مالی، فرهنگی و نمادین فرد و خانواده‌اش است. برخی روابط اجتماعی (شبکه) به دلیل مکان‌های راهبردی (وضعیت) با منابع ارزشمندتری همراه هستند و قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری عوامل سازمانی دارند (کلارک، ۲۰۰۰؛ لین، ۲۰۰۱). شبکه‌ها (سرمایه اجتماعی)، هم فردی و هم کسب و کاری می‌توانند بر شرکت خانوادگی تأثیرگذار باشند (ویسا و همکاران، ۲۰۱۲). این مورد در کسب و کارهای کشاورزی خانوادگی نیز صادق است. اعضای خانواده علاوه بر روابط اجتماعی که با یکدیگر دارند (سرمایه اجتماعی درون‌گروهی)، هریک با گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی متفاوتی ارتباط دارند (سرمایه اجتماعی برون‌گروهی) و با توجه به مشارکت هریک از اعضا در کسب و کار مزرعه، سرمایه اجتماعی می‌تواند بر توسعه کسب و کار خانوادگی تأثیر بگذارد.

سرمایه نمادین برای بورديو (۱۹۷۷: ۱۷۹) متشکل از منزلت (پرستیژ) و شهرت مرتبط با خانواده و نام خانوادگی است. براساس دیدگاه او، خانواده‌ها مقادیر متفاوتی از منابع نمادین و مادی دارند که به کمک آن‌ها می‌توانند مزیت‌هایی برای اعضای خود به دست بیاورند (فورستبرگ، ۲۰۰۵). همان‌طور که برتاکس و تامپسون (۲۰۰۵: ۴۱) مطرح کرده‌اند، در کسب و کار کشاورزی خانوادگی، کسب و کار اساساً مشتق شده از خانواده با ارزشی نمادین همراه است و مهم‌تر از همه

اینکه فشاری اخلاقی بر ادامه یافتن دارد. در نتیجه، سرمایه نمادین به مالکیت منابع نمادین اشاره می‌کند. به کمک شناسایی سرمایه نمادین (و منابع نمادین) ساختار نمادین درونی و اساسی میدان آشکار می‌شود. در زمینه کسب و کار مزرعه خانواده، در مواردی که مزرعه و زمین چندین نسل دست به دست شده باشد، این تداوم به نماد خانواده و کشاورز تبدیل می‌شود.

### روش شناسی پژوهش

در این پژوهش به منظور جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت یافته و برای تحلیل داده‌های کیفی به دست آمده، از راهبرد تحلیل محتوای کیفی و نرم‌افزار مکس کیودی‌ای<sup>۱</sup> ۲۰۱۸ استفاده شد. به این ترتیب که فایل صوتی مصاحبه‌ها وارد نرم‌افزار و به برش‌های زمانی<sup>۲</sup> تجزیه شد. سپس بازبایی، کدگذاری و تفسیر فایل‌های متنی ایجاد شده که برای هر برش زمانی نوشته شده بود صورت گرفت و در نهایت نقشه مکس<sup>۳</sup> بر اساس نتایج تحلیل‌ها ترسیم شد. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست‌یافت (ویلیکینسون و بیرمنگام، ۲۰۰۳: ۶۸). میرینگ (۲۰۰۰) برای تحلیل محتوای کیفی، دو شیوه «تکوین استقرایی مقوله‌ها» و «به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها» را مطرح می‌کند که در این مقاله از شیوه دوم استفاده شده است. شیوه به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها، جنبه‌های تحلیلی را با توجه به چارچوب مفهومی، از پیش فرمول‌بندی می‌کند. در این شیوه، گام کیفی تحلیل، عبارت است از اعمال کنترل روش‌شناختی در تخصیص مقوله به هر عبارت از متن (حریری، ۱۳۸۵: ۲۶۷). در این شیوه، تعاریف مقوله‌ها و قواعد رمزگذاری، به صورت «دستور کار رمزگذاری» تهیه می‌شود (میرینگ، ۲۰۰۰). در تحلیل داده‌ها با استفاده از این روش، چنانکه فلیک (۲۰۰۲) نیز مطرح می‌کند «مقوله‌ها ضرورتاً از دل داده‌ها استنتاج نمی‌شوند»، اما با توجه به انعطاف‌پذیری طرح پژوهش، همواره امکان بازنگری در مقوله‌ها، برحسب داده‌های مورد پژوهش وجود دارد و هدف و غایت پژوهش نه شمارش تکرار مقوله‌های کاملاً دقیق و از پیش تعیین شده، بلکه دست‌یافتن به

- 
1. MAXQDA
  2. Timestamps
  3. Map MAX



ژرفای ادراکی و تفسیری متون مورد تحلیل، با بهره‌گیری از ماهیت انعطاف‌پذیر رویکرد کیفی است. به بیان دیگر «رویکرد متفاوت به فرایند اندازه‌گیری و تحلیل، منشأ اصلی تمایز میان تحلیل کمی و کیفی داده‌ها محسوب می‌شود» (حریری، ۱۳۸۴: ۷۱).

براساس آخرین سرشماری عمومی کشاورزی مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، تعداد واحدهای بهره‌برداری آبیادی قودجان ۱۰۶ واحد گزارش شده است. ۷۷ واحد کار زراعی، ۷۷ واحد باغداری، ۳۶ واحد پرورش دام سنگین، ۱۱ واحد پرورش دام سبک و ۱۷ واحد پرورش طیور را به روش سنتی انجام می‌دهند. مساحت زیر کشت زراعی جمعاً ۵۹ هکتار و باغ و قلمستان ۱۷ هکتار است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های کیفی این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، با اعضای ۱۴ خانواده بهره‌بردار در روستا مصاحبه کیفی نیمه‌ساخت یافته انجام شد. حداقل اعضای مورد مصاحبه در هر خانواده ۲ نفر و حداکثر ۴ نفر بودند. اعضای بالای ۱۸ سال خانواده وارد مصاحبه شدند و اشیاع نظری پس از ۳۵ مصاحبه حاصل شد. در مرحله کدگذاری از تکنیک کدگذاری فرضیه‌ای<sup>۱</sup> استفاده شد. این روش برای آزمون فرضیه، تحلیل محتوا و استنتاج‌های تحلیلی از مجموعه‌ای از داده‌های کیفی، مناسب است (سالدنا، ۱۳۹۵: ۳۹۳). در این مطالعه، به‌منظور تصدیق یا تکذیب ادعایی که در میانه راه و پس از گردآوری و تحلیل داده‌های اولیه اکتشافی بر مبنای چارچوب مفهومی ارائه شد، تکنیک کدگذاری فرضیه‌ای مناسب تشخیص داده شد.

درنهایت به‌منظور افزایش قابلیت اتکا (پایایی) از کاربرد ابزار «توافق بین کدگذاران»<sup>۲</sup> در نرم‌افزار «مکس کیودی‌ای ۲۰۱۸» استفاده شد. این ابزار امکان مقایسه کدگذاری دو فرد را به وجود می‌آورد که مستقل از یکدیگر، سند مشابهی را کدگذاری می‌کنند. همچنین به‌کمک این ابزار می‌توان محل انطباق یافتن و نیافتن بخش‌های کدگذاری شده دو پژوهشگر را برجسته کرد. هدف از مقایسه کدگذاران مستقل، بحث درمورد تفاوت‌ها، کشف چرایی وقوع آن‌ها و یادگیری از تفاوت‌ها به‌منظور بهبود توافق بین کدگذاران در آینده است (کتابچه مرجع کاربران مکس کیودی‌ای، ۱۳۹۶: ۱۲۱). باید توجه داشت که در این نوع تجزیه و تحلیل کیفی، تجزیه و

1. Hypothesis coding
2. Inter-coder Agreement

تحلیل توافق میان کدگذاران عمدتاً به منظور بهبود دستورالعمل‌های کدگذاری و کدهای فردی است. با این حال، مطلوب است که درصد توافق نیز محاسبه شود. البته دستیابی به ضریب استاندارد که مانند پژوهش‌های کمی از نظر آماری لازم باشد، مدنظر نیست، بلکه تمرکز بر بهبود عملی کیفیت کدگذاری است. به همین دلیل، فرد بر ضریب یا درصد توافق تمرکز ندارد، بلکه پژوهشگران کیفی می‌خواهند به بررسی و ویرایش قسمت‌های کدگذاری شده‌ای بپردازند که مورد توافق نیستند. بدین ترتیب می‌توانند با مطالب به‌طور دقیق‌تر کدگذاری شده‌ای به راه خود ادامه دهند (همان، ۱۶۲). در پژوهش حاضر، پژوهشگران به کمک این ابزار درباره موارد اختلاف به بحث و تبادل نظر پرداختند و مورد توافق‌ترین گزینه‌ها را انتخاب کردند تا بر پایایی (قابلیت اتکا) کدگذاری افزوده شود. پس از اصلاحات درصد توافق محاسبه شده به کمک نرم‌افزار، ۸۱ درصد توافق را نشان داد.

### یافته‌های پژوهش

هرچند همه عوامل سبب‌ساز شکل‌گیری پدیده «پایداری نسلی» با یکدیگر هم‌بستگی دارند، ضروری است هریک جداگانه توضیح داده شوند. پیش از توضیح مقوله‌های سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین، همچنین رابطه آن‌ها با یکدیگر، میدان کشاورزی خانوادگی که این سرمایه‌ها در آن تولید و بازتولید می‌شوند و رقابت‌ها بر سر دستیابی به این سرمایه‌ها در آن رخ می‌دهد، تشریح می‌شود.

میدان کشاورزی را می‌توان بر مبنای روابط اجتماعی که کشاورزی را امکان‌پذیر می‌کند، درک کرد. کشاورزان در انزوا عمل نمی‌کنند، بلکه وابسته به طیف گسترده‌ای از بازیگران دیگر در موقعیت‌های مختلف متصل به آن‌ها و یکدیگرند. این روابط و وابستگی‌های متقابل، میدان کشاورزی خانوادگی را شکل می‌دهند. عناصر کلیدی میدان کشاورزی خانوادگی به‌طور کلی شامل روابط اقتصادی، روابط خانوادگی و روابط اکولوژیکی است. تمرکز بر میدان کشاورزی ابزاری است برای مطالعه ساختار کشاورزی و موقعیت کشاورزان در این ساختار. «حتی وقتی شرکت‌کنندگان در یک میدان مشخص با یکدیگر درگیر هستند، توافق ناگفته‌ای وجود دارد که خود میدان ارزش حفظ کردن را دارد» (بورديو، ۱۹۹۳). درگیری‌ها بر سر توزیع سرمایه در

میدان است. برای مثال، براساس چارچوب نظری بورديو در زمینه کشاورزی می‌توان اذعان کرد که طرفداران کشاورزی پایدار و کشاورزی مرسوم (سنتی) توافق دارند میدان کشاورزی ارزش حفظ کردن را دارد، اما بر نحوه سازمان‌دهی و درک آن توافق ندارند (رایدیک و همکاران، ۲۰۰۳: ۸۳).

در میدان کشاورزی، برخی کشاورزان با علم به مشکلات موجود در این میدان، برای مقابله با کاستی‌های بازار و برون‌رفت از فقر، مسیر کشاورزی خانوادگی را انتخاب می‌کنند. در این میدان، هر بازیگر تلاش می‌کند سهم خود را از سرمایه در دسترس حفظ کند (حتی افزایش دهد). مالکیت سرمایه براساس گفته بورديو موجب افزایش قدرت و توانایی تأثیرگذاری بر قوانین بازی می‌شود. براساس یافته‌های پژوهش، ورود به میدان کشاورزی خانوادگی و ادامه آن به سادگی رخ نمی‌دهد، بلکه بازیگران این میدان به کمک شکل‌های متنوع سرمایه و تبدیل مجدد آن به احیا، یا تحول کسب‌وکار خود اقدام می‌کنند. کشاورزانی که وارد این مسیر می‌شوند، به‌خوبی با مشکلات بازار محصولات کشاورزی آشنا هستند و از محدودیت‌ها و امکانات این میدان اطلاع دارند. آن‌ها با توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود، به نحوی منحصربه‌فرد رفتار می‌کنند و با رقابت بر سر دستیابی به شکل‌های متنوع سرمایه، بقای کسب‌وکار خود را تضمین می‌کنند یا به آن پایان می‌دهند و مسیرهای دیگر را انتخاب می‌کنند. در ادامه، با توجه به اینکه در این پژوهش کاربست دیدگاه بورديو درباره انواع سرمایه‌ها در تدوین وضعیت واحدهای بهره‌برداری خانوادگی بقای آن‌ها مدنظر بوده است، چگونگی بهره‌گیری کشاورزان از سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین در میدان کشاورزی خانوادگی برای انتقال بین نسلی نظام بهره‌برداری خانوادگی توضیح داده می‌شود.

#### الف) سرمایه اقتصادی

کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی درآمدی ایجاد می‌کند (سرمایه اقتصادی) که سطوح آن به کارایی و بهره‌وری مزرعه، هزینه‌ها و قیمت به‌دست‌آمده برای محصولات وابسته است. سرمایه اقتصادی برای اجرای کسب‌وکار و خرید ورودی‌ها ضروری است و هرگونه مازادی باید بار دیگر در فرایند تولید سرمایه‌گذاری شود. همچنین سرمایه اقتصادی می‌تواند برای به‌دست‌آوردن دیگر شکل‌های سرمایه به‌کار رود؛ مانند آموزش دانشگاهی (برای افزایش

سرمایه فرهنگی نهادی) و وضعیت اجتماعی (به‌منزله دستمایه‌ای برای سرمایه نمادین). سرمایه اقتصادی به‌آسانی از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود. در کشاورزی خانوادگی صرفاً داشتن پول نقد نشانه دارایی و توانمندی اقتصادی خانوار نیست؛ برای مثال مصاحبه‌شونده‌ها بارها به وابسته‌بودن خانواده به همسایه‌ها برای تهیه مایحتاج غذایی روزانه خانواده، نیازداشتن به اجاره‌کردن ادوات کشاورزی از روستاییان و نیازمندنبودن به نیروی کار کارگر کشاورزی، به‌عنوان ویژگی‌های توانمندی اقتصادی خانواده اشاره کردند. درواقع مالکیت زمین و باغ و ادوات کشاورزی، داشتن دام سنگین و سبک و نیروی کار خانوادگی جوان، تعیین‌کننده میزان سرمایه اقتصادی خانواده‌های بهره‌بردار است. هرچقدر وسعت زمین و باغ بیشتر باشد یا توانایی نگهداری از دام سنگین و سبک در خانواده (نیروی کار فعال) وجود داشته باشد، وضعیت اقتصادی خانواده بهتر است. بسیاری از کشاورزان دارایی زیاد، ولی نقدینگی کمی دارند. درنتیجه انتقال سرمایه اقتصادی خانواده اگر با انتقال کسب‌وکار همراه نباشد، سود اقتصادی چندانی برای وارثان ندارد.

بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها تأکید کردند که کشاورزی بدون دامداری صرفاً اقتصادی ندارد. دام هم مایحتاج لبنی خانواده را تأمین می‌کند، هم فروش محصولات لبنی آن سودمندی اقتصادی برای خانواده دارد. همچنین کود طبیعی برای زمین‌های کشاورزی خانواده را فراهم می‌کند، بر اعتبار خانوار بهره‌بردار در روستا می‌افزاید و نشان‌دهنده توانمندی اقتصادی خانواده بهره‌بردار است که این امر، نیروی کار توانا برای نگهداری دام را نشان می‌دهد. همچنین به توانمندی درآمدی<sup>۱</sup> زنان در خانواده کمک می‌کند. این توانمندی درمورد زمانی که زنان در کارهای خانگی کشاورزی فعالیت و کمک می‌کنند صادق است.

زنان در خانواده‌های کشاورز، بیشتر به‌کمک کارهای خانگی کشاورزی و کار در مزرعه (تنها در مرحله برداشت محصول و به همراه اعضای مرد خانواده) درآمد اضافی ایجاد می‌کنند. زنان خانه‌دار در خانواده‌های بهره‌بردار، علاوه‌بر کارهای خانه‌داری معمول، به کارهای خانگی کشاورزی نیز می‌پردازند (نگهداری از دام و فرآوری محصولات کشاورزی منتقل شده به خانه)

۱. منابع ایجاد درآمد و استفاده از درآمد برای اهداف خانوار (مالیک و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۹۱؛ به نقل از فرضی‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۶).

و با بازاریابی و فروش محصولات فرآوری‌شده لبنی و زراعی از نظر اقتصادی در موقعیت بهتری نسبت به زنانی قرار دارند که صرفاً شغل معمول خانه‌داری را برعهده دارند. این منبع درآمد برای این زنان معمولاً به صورت پس‌اندازهای سنتی مانند خرید طلا ذخیره می‌شود و در بیشتر مواقع در شرایط خاص به صورت سرمایه‌گذاری مجدد در کسب‌وکار مزرعه هزینه می‌شود؛ بنابراین روابط آن‌ها با کسب‌وکار محوری است؛ زیرا درآمد خانوار و پول برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار مزرعه در زمان‌های دشوار به آن‌ها وابسته است. در نتیجه نقش چشمگیری در سرمایه اقتصادی کسب‌وکار مزرعه خانوادگی در قالب نیروی کار رایگان و کمک به بازاریابی و فروش محصولات و تأمین نقدینگی در شرایط دشوار ایفا می‌کند.

با نبود سرمایه اقتصادی در دسترس، جوانان کشاورزی را ترک می‌کنند. بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها کمبود نیروی کار جوان علاقه‌مند به کار کشاورزی را مشکلی برای پیشرفت اقتصاد کسب‌وکار می‌دانند. در حالی که پول نقد به راحتی قابل تبدیل به شکل‌های دیگر سرمایه است یا می‌توان از آن برای خرید کالاها و خدمات استفاده کرد، اما مالکیت دیگر عوامل تولید این ویژگی را ندارند. به زعم بوردیو «مرتبه اجتماعی و قدرت خاصی که در هر میدان مشخصی به عاملان نسبت داده می‌شود، صرف‌نظر از برخورداری آن‌ها از انواع دیگر سرمایه، در وهله نخست به سرمایه خاصی بستگی دارد که آن‌ها می‌توانند به کار بیندازند» (بوردیو، ۱۹۸۴). در میدان کشاورزی خانوادگی نیز صرف مالکیت عوامل تولید مانند زمین، باغ و ادوات کشاورزی برای خانواده کشاورز سودآوری اقتصادی ندارد. حتی نیروی کار جوان نیز بدون تسهیلگری دیگر عوامل (سرمایه اجتماعی و فرهنگی و نمادین) قابلیت اقتصادی لازم را ندارد. این مورد در بخش‌های بعدی توضیح داده شده است.

### ب) سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی شامل دانش کشاورز در مورد اجرای کسب‌وکار در میدانی است که در آن فعالیت دارد. کشاورزی شغلی چندمهارتی با چندین مهارت انتقال‌پذیر است. کشاورزان تاجر، مهندس، حفاظت‌کننده از محیط‌زیست و متخصص تغذیه حیوانات هستند (کاری و همکاران، ۲۰۰۲؛ گیسون و همکاران، ۱۹۹۸). با این حال، کشاورزی هنوز هم صنعتی با مهارت پایین است؛ در حالی که کشاورزی موفق مستلزم طیف گسترده‌ای از مهارت‌های فنی و کسب‌وکاری است.

جدول ۱. مقوله اصلی سرمایه اقتصادی، مقوله‌های فرعی و نمونه گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	نمونه گزاره‌های معنادار
مالکیت عوامل تولید		مالکیت زمین/باغ/خانه/دام/سنگین/دام/سبک/ادوات کشاورزی
نیروی کار		تابستون‌ها چون نوهام دانشگاه ندارند و کمک می‌کنند کارگر نمی‌گیرم. عروس‌ها هم توی خونه کمک می‌کنند (مرد ۸۶ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری). از تهران که برگشتم، تراکتور بابام رو گرفتم باهش کار کردم. الان هم چندتا زمین از آشناها گرفتم و بدون اینکه اجاره بدم روی زمین کار می‌کنم. خودشون تهرانن (پسر ۳۰ ساله، فرزند کشاورز)
سرمایه اقتصادی		کشاورزی بدون دامداری هیچ فایده‌ای نداره. قبلاً گاو داشتیم، ولی الان نداریم؛ دیگه نمی‌تونیم نگهداری کنیم. جوون می‌خواد (زن ۷۰ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری) کاشت تنباکو خیلی سود داره. اداره بازرگانی میاد سر زمین با چک روز می‌خره، ولی هیچ‌کس دیگه توی روستا نمی‌کاره؛ چون نیروی جوون می‌خواد کارش سخته. پیرها نمی‌تونن انجام بدن (دهیار روستا)
تقدینگی		یه گاو داشتیم که پارسال تب برفکی گرفت و حروم شد. دیگه هرچی به شوهرم گفتم بخیرم گفت نمی‌تونم. پول ندارم. از کجا بیارم ۷-۸ میلیون تومن بدم گاو بخرم (زن ۴۵ ساله، همسر کشاورز)
منابع درآمدی خارج از مزرعه		از کشاورز و دامدار دارن مجانی می‌خرن. خدا شاهده دارن میارن همین ایستگاه خودمون، شیر رو می‌بره کیلویی ۱۲۰۰. الان که می‌بره از برج قبلی رو آخر این برج می‌ده؛ یعنی ما دوماه باید پولمون بخوابه تا بیاد (مرد ۵۰ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری) من گلپایگان مغازه دارم. درآمد باغ‌هایی که دارم خوبه و به لحاظ ریالی می‌صرفه، ولی من قبل از اینکه باغ بخرم کار دیگه‌ای داشتم و برای همین پول داشتم باغ بخرم (مرد ۵۰ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری). کارگاه قالی‌بافی داشتم. الان هم دارم، اما درآمد زیادی مثل قبل نداره. بعداً زمین خریدم و درخت کاشتم (مرد ۶۰ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)

منبع: یافته‌های کدگذاری فرضیه‌ای/ خروجی نرم‌افزار مکس کیودی‌ای ۲۰۱۸

کسب‌وکار خانوادگی فراهم‌کننده محیط یادگیری مهارت‌های فنی، کسب‌وکاری و فردی انتقال داده‌شده از نسلی به نسل دیگر است. «شکل‌گیری سرمایه فرهنگی تجسد یافته مستلزم به‌کارگیری طولانی‌مدت عادت‌واره اجتماعی است. سرمایه فرهنگی به‌کمک پرورش نظام‌مند حساسیتی کسب می‌شود که در آن قواعد حاکم بر انتخاب پیرامون (محل زندگی) با تلقین به قواعد خودآگاه و درنهایت به گرایش‌های فیزیکی و شناختی مبدل می‌شوند که به‌صورت تمایلات و کنش‌های خاص درمی‌آیند» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۸۰). ورود به میدان کشاورزی خانوادگی بدون داشتن پیش‌زمینه

خانوادگی تقریباً ناممکن است. این مورد تقریباً برای همه مصاحبه‌کنندگان (مشارکت‌کنندگان) صادق است. در تمام خانواده‌ها فرزندان خانواده (پسر و دختر) از دوران کودکی و در جریان جامعه‌پذیری، کارهای کشاورزی را از والدین خود می‌آموزند. دختران در خانه همراه مادر کارهای خانگی کشاورزی را انجام می‌دهند و پسران به همراه پدر کارهای کشاورزی بیرون از خانه را فرامی‌گیرند. علاوه بر این افراد تازه‌وارد به خانواده‌های بهره‌بردار (اگر خود، کشاورز یا فرزند کشاورز نباشند) مانند عروس و داماد خانواده نیز به مرور زمان از همسر یا والدین همسر خود فعالیت‌های کشاورزی را فرامی‌گیرند؛ برای مثال، در یکی از خانواده‌ها، عروس خانواده تا قبل از ازدواج هرگز در روستا نبوده و کار کشاورزی انجام نداده است، اما بعد از ازدواج چند سال در کارهای خانگی کشاورزی از جمله خشک‌کردن سبزی‌ها و نگهداری از دام‌ها به مادر همسر خود کمک می‌کرده و از این طریق به مرور این کارها را آموخته است (انتقال دانش تجربی «سرمایه فرهنگی») و حدود دو سال است که با نگهداری چند دام سنگین و با حمایت مادر همسر خود (حمایت خانوادگی «سرمایه اجتماعی») امرار معاش می‌کند. همچنین دو پسر جوان دانشجو که به همراه مادر و پدر بزرگ خود در حال جمع‌آوری محصولات باغ پدر بزرگ بودند، اظهار کردند که از کودکی با پدر بزرگ خود کارهای کشاورزی را انجام داده‌اند و یاد گرفته‌اند (انتقال سرمایه فرهنگی) و از این طریق به این کار علاقه پیدا کرده‌اند (شکل‌گیری تدریجی سرمایه نمادین). در حالی که پدرشان به کشاورزی هیچ علاقه‌ای ندارد و شغلی غیر کشاورزی دارد.

در بسیاری از خانواده‌ها نسل‌های مختلف که در کارهای کشاورزی خانواده به یکدیگر کمک می‌کنند، نه تنها شبیه هم هستند، بلکه تا حدی تفکری مشابه نیز دارند. با این حال وظایف کاری خود را حتی با داشتن چشم‌انداز نهایی مشابه شیوه‌های متفاوت انجام می‌دهند. سرمایه فرهنگی نهادینه و انتقال داده شده و در زمینه خانواده و شیوه‌های کسب و کار بهبود داده می‌شود. دانش و مهارت مرتبط با کسب و کار خانوادگی با همکاری نزدیک والدین و فرزندان در طول دوره‌ی جانشینی و سال‌های منتهی به جانشینی انتقال داده می‌شود. این موضوع در بیشتر موارد مشهود است، به‌ویژه در خانواده‌هایی که جانشین شناسایی شده‌ای دارند (البته به صورت غیررسمی). در واقع همان‌طور که اسمیت و هرمان (۲۰۰۲) بیان می‌کنند «جهان اجتماعی محدود کشاورزان خانواده، توسعه و تقویت یک اخلاق متمایز کشاورزی خانوادگی را تشویق می‌کند که نظم اخلاقی قوی دارد».

در سطح سرمایه فرهنگی تفاوت‌هایی بین نسل‌های خانواده وجود دارد؛ زیرا فرصت یادگیری منجر به مهارت‌های افزایش یافته کسب‌وکار شده است؛ مانند رشد مدارک دانشگاهی در رشته‌های کشاورزی. کشاورزی با افتخار توضیح می‌داد که دخترش دانشجوی مهندسی کشاورزی است و برای انجام کارهای کشاورزی به‌ویژه در مورد کشت محصولات و سموم و آفت‌کش‌ها از اطلاعات او استفاده می‌کند. این فرصت‌های یادگیری و دستیابی به صلاحیت موجب دسترسی به سطوح بالاتر سرمایه فرهنگی در مقایسه با نسل‌های قبل می‌شود (سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده)؛ البته این امر می‌تواند مفید و کاربردی یا منبع تقابل میان دو نسل باشد.

علاوه بر در نظر گرفتن سطوح مهارت، بورديو در توضیح سرمایه فرهنگی، به تجارب نیز توجه می‌کند. بدان معنا که آثار فرهنگی (سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته) نیز قابل توجه است؛ مانند نمایشگاه‌های کشاورزی، ماشین‌آلات، لوح‌های تقدیر از سازمان‌های متولی کشاورزی و... هرچند برگزاری نمایشگاه‌های کشاورزی و برنامه‌هایی مانند آن در منطقه مورد مطالعه مرسوم نیست، مطرح شدن برخی افراد به‌عنوان کشاورز نمونه روستا برای افراد ساکن مهم است و با افتخار از آن‌ها یاد می‌کنند. با این حال، اگر فرزندان به‌ویژه پسران کمتری تمایل به کشاورزی داشته باشند، فرایند یادگیری مهارت هنگام کار از نسل کشاورز قبلی از دست می‌رود (کاهش سطوح سرمایه فرهنگی در دسترس کشاورزان)؛ زیرا فرزندان کشاورز به‌دنبال سطوح بالاتر سرمایه فرهنگی از طریق مشاغل دیگر هستند. ضد ارزش‌شدن کار کشاورزی در میان نسل جوان و علاقه آن‌ها به کار اداری و کارهایی که سختی آن‌ها از کشاورزی کمتر است، تقریباً در میان بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها به مثابه یکی از دلایل اصلی کم‌رونق‌شدن کشاورزی خانوادگی مطرح شد. این امر می‌تواند به کاهش مهارت‌های سنتی با ارزش منجر شود که می‌تواند با تلفیق دانش مدرن تأثیر مهمی بر پایداری کشاورزی داشته باشد. سرمایه فرهنگی برای کسب‌وکار مهم است. مهارت‌ها و تجارب کشاورزان بر نحوه اجرای کسب‌وکار و توانایی کشاورز در مقابله با تغییرات مداوم و مشکلات روزانه در مزرعه تأثیر می‌گذارد. سطح سرمایه فرهنگی نهادی که افراد وارد کسب‌وکار می‌کنند (برای مثال فرزندان که مدرک تحصیلی دارند) می‌تواند دیدگاه‌های نظری را به دانش عملی به‌دست‌آمده از والدین افزایش دهد. این مورد موجب تقویت درک جانشینان می‌شود و توانایی آن‌ها را در تصمیم‌گیری بهبود می‌بخشد. همچنین به نفع کسب‌وکار مزرعه است.



جدول ۲. مقوله اصلی سرمایه فرهنگی، مقوله‌های فرعی و نمونه گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	نمونه گزاره‌های معنادار
سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی	مثلاً می‌گن سم سن رو بزنی. بابام می‌گه ولش کن هرچی شد، شد، ولی من امسال هم سم سن زدم، هم سم آفت دیگه. ۲-۳ رقم سم زدم. ۳-۸ زدم، گندمامم از همه بهتره. الانم بردم تحویل دادم (کشاورز ۴۷ ساله)
	سه‌ستی/تجارب/ دانش مدرن	دخترم دانشجوی مهندسی کشاورزیه. اگر سؤالی داشته باشم از اون می‌پرسم. مثلاً اگه آفتی باشه نگاه می‌کنه ببینه چه سمی می‌خواد. (کشاورز ۵۵ ساله)
سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی	هرچی آدم کار بکنه، بهتره، سرحال‌تره. جوونای الان تنبل شدند. اهل کار نیستند؛ وگرنه کار هست. من به بچه‌هام همه کاری یاد دادم. از بچگی کار کردن. الان هم موفقن (زن ۵۰ ساله، همسر کشاورز)
	تجسد یافته	بچه بودیم بابام کشاورزی داشت. تنباکو می‌کاشت، علف می‌کاشت، انگور می‌کاشت، گندم، جو و سبزی می‌کاشت. ما هم کمکش می‌کردیم توی مزرعه. دیگه یاد گرفتیم. بعد هم که ازدواج کردم شوهرم کشاورز بود. شوهرم که فوت کرد، همه کارا رو خودم انجام می‌دادم، بلد بودم (زن ۷۴ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)
سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی	بابام گوسفند داره. تازگی باغ هم خریده. من از بچگی کارهای کشاورزی رو انجام می‌دادم. از مادرم یاد گرفتم. نه فقط من، خواهر برادرهام هم بلدن. حتی گاو دوشیدن هم بلدیم. همه کاری انجام می‌دیم (زن ۲۵ ساله، دختر کشاورز).
	عینیت یافته	از جهاد کشاورزی اومدن توی قودجون پرسیدن که کار کی بهتره. چند نفر پسر بزرگم رو معرفی کرده بودن. اونو یه سال نمونه‌اش کردن. با تراکتور کارش رو خوب انجام می‌ده. از هر کی هم سؤال کنی، می‌گن کار این خیلی بهتره از همس. کشاورز نمونه شد (زن ۴۵ ساله، همسر کشاورز).
		از تلویزیون اومدن و با من مصاحبه کردن. توی تلویزیون من رو نشون دادن، به‌عنوان زن کشاورز نمونه معرفی شدم (زن ۷۴ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)

منبع: یافته‌های کدگذاری فرضیه‌ای/ خروجی نرم‌افزار مکس کیودی‌ای ۲۰۱۸

### ج) سرمایه اجتماعی

در کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی، کشاورزان و اعضای خانواده آن‌ها علاوه بر روابط خانوادگی و حرفه‌ای از سرمایه اجتماعی نیز استفاده می‌کنند. سرمایه اجتماعی (روابط اجتماعی و شبکه‌های طولانی‌مدت) انباشته شده از سوی کشاورزان می‌تواند شخصی یا مرتبط با کسب‌وکار باشد که شامل شبکه‌های فردی و جامعه (گروه) محور است. سرمایه اجتماعی کنش‌های اجتماعی را تسهیل

می‌کند و هزینه تعاملات را کاهش می‌دهد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان این نظر را داشتند. در چهار مورد از خانواده‌های بهره‌بردار، فرزندان پسر و جوان خانواده پس از دوره کوتاهی زندگی در شهر تهران به روستا بازگشته بودند. از مهم‌ترین عواملی که آن‌ها در بازگشت خود مطرح کردند، حمایت عاطفی، مادی و روانی خانواده (سرمایه اجتماعی درون‌گروهی) در روستا بود؛ برای مثال، جوانی ۲۲ ساله که پس از یک سال کار در ساندویچی در شهر تهران به روستا بازگشته بود و به کمک پدر خود به پرواربندی دام سبک می‌پرداخت، اظهار کرد که در شهر تهران حقوق تقریباً خوبی داشته، اما بخش مهمی از آن را برای هزینه‌های اسکان و غذا پرداخت می‌کرده است. درحالی‌که در روستا در کنار خانواده خود زندگی می‌کند و نگرانی اسکان و غذا را ندارد. همچنین می‌تواند پول خود را پس‌انداز کند و در مدت کوتاهی خانه بخرد و ازدواج کند و درعین حال کمک خانواده، به‌ویژه پدر و مادر خود را به‌عنوان نیروی کار بدون دستمزد (سرمایه اقتصادی) دارد. مادر خانواده توضیح می‌دهد که در ابتدا پدر چند گوسفند در اختیار فرزندش قرار داده (سرمایه اقتصادی خانوادگی) و پسر به کمک شیوه کاری که در سال‌های کودکی در کنار پدر آموخته (سرمایه فرهنگی خانوادگی) کار پرواربندی دام را انجام داده و در حال حاضر تعداد دام‌های بیشتری دارد. همچنین بسیاری از کارهایی را که دامپزشک انجام می‌دهد خودش یاد گرفته و انجام می‌دهد تا در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود. این مورد در سه خانواده دیگر نیز به شکل مشابه مطرح است.

کشاورزان از سرمایه اجتماعی (به‌ویژه شبکه‌ها) برای افزایش آگاهی درباره زمین کشاورزی برای فروش یا اجاره، فناوری جدید یا شیوه‌های کشاورزی جایگزین استفاده می‌کنند. صحبت درمورد کار می‌تواند کشاورزان را درمورد فرایندهای دیگر بهبود بازدهی محصول آگاه کند که موجب افزایش سرمایه اقتصادی می‌شود. همچنین می‌توان سرمایه اجتماعی را در شبکه‌های نهادی که کشاورزان را در جلسات آموزشی گرد هم می‌آورد یافت (مثلاً جلسات آموزشی جهاد کشاورزی) که این مورد در منطقه مورد مطالعه به‌ندرت رخ می‌دهد. بیشتر مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که مسئولان جهاد کشاورزی به‌ندرت به روستا می‌آیند و بیشتر آن‌ها به‌ویژه زنان، تاکنون در هیچ دوره آموزشی جهاد کشاورزی شرکت نکرده بودند. این وضعیت بازگوی آن است که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ضعیف‌تر است.

سرمایه اجتماعی برای کشاورزان و جامعه کشاورزی مهم است. در گذشته یکی از عوامل اصلی کمک به موفقیت کشاورزان سرمایه اجتماعی بود؛ زیرا افراد با همکاری هم به یکدیگر کمک می‌کردند و اطلاعات خود را آزادانه به اشتراک می‌گذاشتند. در طول سال‌ها، تغییر در کشاورزی به کاهش سطح سرمایه اجتماعی در دسترس کشاورزان منجر شده است. این مورد در میان مردان نمود بیشتری دارد. درحالی‌که براساس یافته‌های پژوهش و مشاهدات میدانی طی دو سال کار پژوهشی، هنوز هم برخی زنان در برخی کارهای خانگی کشاورزی و فرآوری محصولات به یکدیگر کمک می‌کنند. در بسیاری از موارد کسب آگاهی از مزایای استفاده از ادوات کشاورزی جدید مانند دستگاه شیردوش و داس برقی به کمک شبکه‌های ارتباطی اعضای مختلف خانواده به‌ویژه جوان‌ترها صورت می‌گیرد که منجر به خرید این ادوات کشاورزی شده و به گفته مصاحبه‌شونده‌ها ارزش سرمایه‌گذاری داشته و بر سرعت و راحتی کار افزوده است.

هریک از اعضای خانواده بهره‌بردار به نحوی اطلاعات مورد نیاز برای بهبود کسب‌وکار را به‌دست می‌آورند. نسل اولی‌ها براساس دانش تجربی (سرمایه فرهنگی) و نسل‌های دوم علاوه بر این دانش که از گذشته به ارث برده‌اند همچنان از شبکه‌های خویشاوندی و همسایگی برای به دستیابی به اطلاعات لازم استفاده می‌کنند (سرمایه اجتماعی). این مورد در نسل سوم علاوه بر بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی خانوادگی، به کمک شبکه‌های اجتماعی، تلفن همراه و فضای مجازی به‌دست می‌آید. آنچه در این میان مهم است، تأثیر متقابل شکل‌های گوناگون سرمایه و تبدیل آن‌ها به شکل‌های دیگر است. این مورد تنوع سرمایه اجتماعی و متعاقب آن افزایش بهره‌وری این نوع سرمایه را تضمین می‌کند و با توجه به تنوع و تراکم این سرمایه به‌دلیل ماهیت خاص کسب‌وکار خانوادگی می‌تواند تأثیر مهمی بر موفقیت کسب‌وکار داشته باشد. ماهیت کسب‌وکار نیز شکل‌دهنده نوع و سطح سرمایه اجتماعی است. در کسب‌وکارهای خانوادگی، شبکه‌های فردی و کسب‌وکاری می‌توانند برای حل مشکلات کسب‌وکاری به‌کار روند. سرمایه اجتماعی اهمیت دارد و داشتن ارتباطات اجتماعی به این معناست که کشاورزان می‌توانند درباره شیوه‌های عمل بحث کنند و دانش و تجربه خود را به اشتراک بگذارند که به ایجاد شبکه‌های ارزشمند منجر می‌شود و به کشاورزان در عملیات کسب‌وکار کمک می‌کند.

جدول ۳. مقوله اصلی سرمایه اجتماعی، مقوله‌های فرعی و نمونه گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	نمونه گزاره‌های معنادار
		اجباری/ دخترهام کشاورزی رو دوست ندارن، ولی من به زور هم شده میارمشون برای جمع کردن محصولات کمک کنن، من اقتدارم رو حفظ می‌کنم (کشاورز ۵۰ ساله)
	مشارکت اجباری/ داوطلبانه/ طبیعی	اجباری/ هرچی به شوهرم می‌گم من این کارا رو دوست ندارم، گوش نمی‌ده بازم محصولات زمین‌های پدریش رو میاره خونم. منم دلم نمیدادم حروم بشه از بین بره، مجبور می‌شم درستشون کنم (زن ۴۶ ساله، همسر کشاورز) داوطلبانه/ وقتی کاری داریم به هم کمک می‌کنیم؛ مثلاً دوستانم که میان کمک می‌کنن، مزد نمی‌گیرن. در عوض چون من تراکتور دارم، با تراکتور براشون جبران می‌کنم (پسر ۳۰ ساله، کشاورز)
سرمایه اجتماعی		داوطلبانه/ رفتم کمک پسر و عروسم بادوم و گردو جمع کردم. با اینکه پام درد می‌کنه و پامو عمل کردم، با اینکه هر دو دستام رو عمل کردم، بازم کمکشون می‌کنم. گناه دارن. کمکشون می‌کنم که نخوان کارگر بگیرن. هزینش زیاد می‌شه (زن ۶۲ ساله، همسر کشاورز) طبیعی/ شوهرم زنگ می‌زنه می‌گه یکم آلو هست بیا جمع کنیم. منم می‌رم کمک می‌کنم (زن ۴۵ ساله، همسر کشاورز)
	حمایت خانواده محور/ جامعه‌محور	ما خودمون شهرک یاسر زندگی می‌کنیم که بافت جدید روستاست، ولی گاوهارو آوردیم توی طویله خونه مادرشوهرم. این طوری مادرشوهرم همیشه هست خیالمون راحت‌تره (زن ۳۰ ساله، همسر کشاورز). پسر از تهران که برگشت گفتم بیا پیش خودم زندگی کن و روی زمین‌ها کار کن. الانم با خودم زندگی می‌کنه. زن و بچه‌ش هم آورده همین‌جا. با هم کار می‌کنیم (زن ۷۴ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)
	اعتماد	بابام خدا رحمتش کنه عمرشو داد به شما. دیگه کسی نیستش. داداش‌هام که تهران زندگی می‌کنند. الان زمین‌هاشون رو دادن به یه نفر که می‌شناسن نگهداری کنه و محصول بکاره. فقط باغ‌هاشون دست خودشونه (زن، ۴۵ ساله، همسر کشاورز). صاحب باغ تهرانه. از آشناهای دوره. به من گفتم من تو رو می‌شناسم، مطمئنم. زمین رو محصول بکار از باغ‌ها هم مراقبت کن. هرچور خودت می‌دونی فقط درخت‌ها خشک نشه (مرد ۵۳ ساله، کشاورز)

منبع: یافته‌های کدگذاری فرضیه‌ای/ خروجی نرم‌افزار مکس کیودی‌ای ۲۰۱۸

با پیش‌روی تحلیل مشخص شد کشاورزان به سطوح گوناگونی از سرمایه اجتماعی دسترسی دارند، اما این سرمایه معمولاً به دوستان و خانواده محدود است؛ زیرا بسیاری از کشاورزان از نظر اجتماعی منزوی‌اند. افرادی را که کشاورز می‌شناسد بر سطوح سرمایه اجتماعی او تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال کشاورزی که مشارکت بسیاری در برنامه‌های آموزشی جهاد کشاورزی دارد، یا

کشاورزی که عضو شورای اسلامی روستاست، از کشاورزی که هیچ‌گاه محل کشاورزی خود را جز برای موارد ضروری ترک نکرده است، شبکه‌هایی با سطوح بالاتر بازده مورد انتظار از سرمایه اجتماعی دارد؛ زیرا کشاورزان به کمک شبکه‌های اجتماعی و جریان‌های اطلاعاتی درون آن‌ها می‌توانند زمینه و تهدیدها را شناسایی کنند، به ارزیابی فرصت‌ها می‌پردازند، درباره گزینه‌های پدیدار شونده بحث می‌کنند و به برآوردن عواقب گسترده‌تر روندها و شوک‌های ناگهانی می‌پردازند.

#### د) سرمایه نمادین

«این میدان است که تعیین می‌کند کدام ویژگی‌ها و صلاحیت‌ها مناسب و قابل کاربرد برای سرمایه‌اند» (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۱). به‌طور کلی می‌توان گفت «هر میدانی، به نوع خاصی از سرمایه اهمیت می‌دهد» (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۸). در میدان کشاورزی خانوادگی، سرمایه نمادین برای بسیاری از خانواده‌ها مهم است. مهم‌ترین منبع نمادین برای بسیاری از کشاورزان مزرعه است؛ یعنی اوج کار سخت، از خودگذشتگی و تعهد خانواده. مزرعه نماینده سرمایه‌گذاری سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اداره کردن مزرعه خانوادگی نماد کاری سخت است که نسل‌های گذشته برای پیشبرد مزرعه مجبور به تحمل آن بودند. هم‌زمان مزرعه یک هویت (موقعیت اجتماعی تعریف شده) در جامعه کشاورزی دارد (گلاور و ری، ۲۰۱۳). چشم‌انداز مزرعه به سادگی محل کار نیست، بلکه براساس گفته لئوپولد (۱۹۳۹) «پرتره مالک از خود است». با این تعریف به سادگی می‌توان درک کرد چرا کشاورزان در مقابل بسیاری از تغییرات پیشنهادی صنعتی و برنامه‌ریزی‌های از بالا به پایین مقاومت می‌کنند. زمین اجازه می‌دهد خانواده کشاورز هویت خود را ابراز کند. همچنین به صورت نمادین به بخشی جدایی‌ناپذیر از خانواده کشاورز تبدیل می‌شود. مزرعه در نشان دادن اقدامات نمادین نسل‌های کشاورز فروشگاهی از سرمایه است که با استفاده از آن هر ورودی جدید می‌تواند از هویت خود به عنوان کشاورز دفاع کند (بورتون، ۲۰۰۴).

آنچه در یافته‌ها بیشتر از هر چیز نمود می‌یابد، اهمیت سرمایه نمادین و نقش آن در احیا و تحول کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی بود. در خانواده‌هایی که والدین با افتخار درباره شغل

کشاورزی خود صحبت می‌کردند،<sup>۱</sup> حداقل یک نفر از فرزندان به‌عنوان جانشین شغل خانوادگی را ادامه داده بود و کسب‌وکار آن خانواده رونق بیشتری از خانواده‌هایی داشت که کار کشاورزی را بی‌ارزش قلمداد می‌کردند. حتی در مواردی پدران خانواده‌ها ادعا می‌کردند فرزندان خود را تشویق می‌کنند که کاری غیر از کشاورزی انتخاب کنند؛ زیرا کشاورزی به‌صرفه نیست و تمایل نداشتند فرزندان‌شان مثل خودشان به قول خود آن‌ها «بدبخت» شوند. هرچه میزان سرمایه نمادین در خانواده‌ای بیشتر باشد و اعضا کشاورزی خانوادگی را مرجع اصلی هویت، حیثیت و اعتبار خود بدانند، احتمال اینکه فرزندان در آن خانواده کسب‌وکار کشاورزی را ادامه دهند، بیشتر است. در نتیجه احتمال تبدیل دیگر شکل‌های سرمایه به سرمایه اقتصادی و بهره‌وری اقتصادی آن خانواده بیشتر خواهد بود. در این خانواده‌ها اعضای خانواده از سرمایه اجتماعی و فرهنگی خود برای بهبود شرایط کسب‌وکار کمک می‌گیرند و در نهایت نقدینگی حاصل به شکل‌های گوناگون در کسب‌وکار مجدد سرمایه‌گذاری می‌شود. بدین ترتیب افراد با رقابت بر سر دستیابی به شکل‌های گوناگون سرمایه به گسترش کسب‌وکار خود می‌پردازند. در مقابل در خانواده‌هایی که میزان سرمایه نمادین آن‌ها پایین‌تر است، پس از فوت سرپرست واحد بهره‌برداری معمولاً با فروش عوامل تولید (زمین، باغ، ادوات کشاورزی و...)، یا حتی رهاکردن آن‌ها کسب‌وکار خانوادگی موروثی پایان می‌یابد و آن واحد بهره‌برداری از چرخه تولید خارج می‌شود.

دل‌بستگی عاطفی<sup>۳</sup> به زمین و حیوانات یکی از عوامل مهم در سرمایه نمادین و اهمیت انتقال کسب‌وکار مزرعه به نسل بعدی است. بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها به این مورد اشاره کردند. حتی جوانانی که در ابتدا بدون علاقه و به‌اجبار کار کشاورزی را شروع کرده بودند، اذعان می‌کردند که به‌تدریج به این کار علاقه‌مند شده‌اند و تلاش می‌کنند تا کار خود را گسترش دهند. چه پسر جوانی که بدون علاقه و تنها به اصرار پدر خود زمین را از فرزندان ارباب خریده بود و حالا بعد از ۲۵ سال به باغداری و کشاورزی علاقه پیدا کرده بود، چه زن

۱. افتخاری که حتی در ژست‌های این افراد در عکس‌هایی که در جریان پژوهش تهیه شد، به‌کمک روش تحلیل عکس کاملاً قابل مشاهده و تفسیر است.

۲. در منطقه مورد مطالعه بسیاری از زمین‌های کشاورزی موروثی و تقطیع‌شده به شکل بایر درآمده بودند.

3. emotional attachment

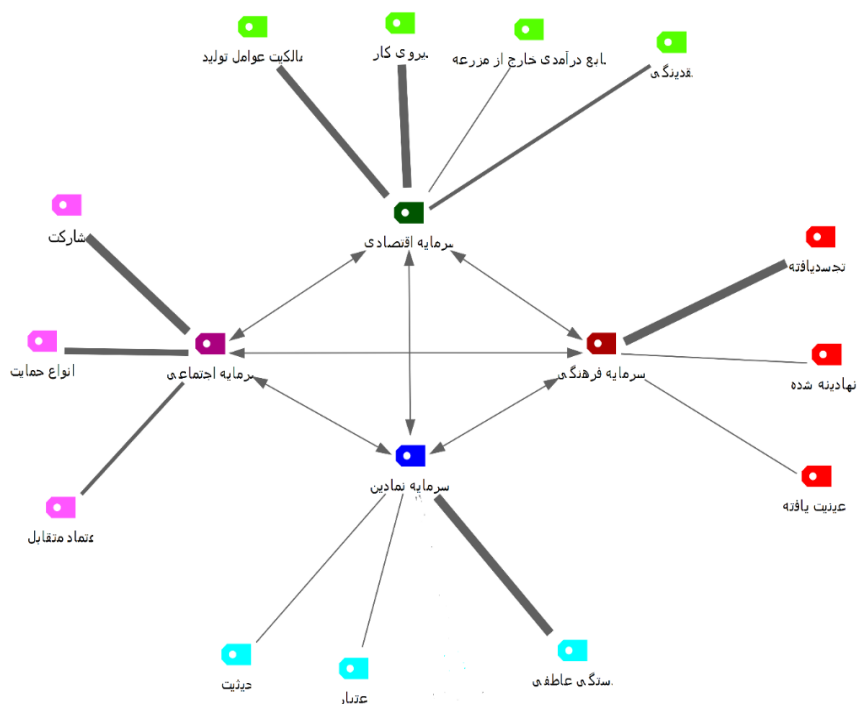
جوانی که به دلیل بیکاری همسر خود با خرید دام سنگین و نگهداری از آن‌ها موافقت کرده بود و اشاره می‌کرد که به تدریج به این کار علاقه پیدا کرده است و با همسر خود برای خرید دام بیشتر تلاش می‌کند و چه سالمندانی که سال‌ها کشاورزی کرده بودند و با تأکید اشاره می‌کردند که هویت، اعتبار، حیثیت و پرستیژی را که طی سال‌ها از این کار به دست آورده‌اند با هیچ چیز معامله نمی‌کنند. تقریباً تمام افراد مورد مصاحبه تأکید کردند که به کار کشاورزی علاقه دارند و این علاقه و دل‌بستگی عاطفی در طول سال‌ها به وجود آمده است.

جدول ۴. مقوله اصلی سرمایه نمادین، مقوله‌های فرعی و نمونه گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	نمونه گزاره‌های معنادار
سرمایه نمادین	حیثیت	هی شوهرم گفت گاو نمی‌خواد بخیرم ولش کن. گفتم بخیرم نرم در خونه کسی شیر بگیریم. من دوست ندارم کاسمو دست بگیرم و برم در خونه کسی شیر بخرم (زن ۴۵ ساله، همسر کشاورز) درآمدش خیلی زیاد نیست، ولی از کارم راضی هستم، حتی همیشه به مادرم هم میگم آگه کار کسی بکنه، هیچ وقت محتاج کسی نیست (مرد ۳۰ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)
	اعتبار	اصلاً دوست ندارم از کسی قرض کنم. فقط دوست دارم کار کنم که یه وقت نرم به همسایم بگم امروز ۱۰ تومن بده می‌خوام برم یک کیلو پیاز و سیب‌زمینی و از این چیزا بخرم. می‌گم آدم باید زحمت بکشه که دستش رو جلو کسی دراز نکنه (زن ۵۲ ساله، همسر کشاورز)
دل‌بستگی عاطفی	اعتبار	شاید یکی بیینه بگه چرا با این سنت این قدر کار می‌کنی. سبزی می‌کاری، ولی من راضی‌ام چون اعتباره؛ یعنی آگه یه وقت خدای نکرده من حتی برم دزدی هم کنم و سبزی‌های همه روستا رو هم بدزدم، هیچ کس باور نمی‌کنه من باشم، میگن این خودش این همه سبزی کاشته امکان نداره کار این باشه. می‌دونی تا این حد اعتبار دارم (زن ۷۴ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)
	دل‌بستگی عاطفی	من خوب خودم علاقه داشتم و دوست داشتم. من سربازیم اول تبریز آموزشی بود. بعد آموزشی رفتم کردستان، بعد انتقالی گرفتم تهران. یک سالم تهران بودم. اونجا هم می‌رفتم سر کار، ولی دوست نداشتم برگشتم روستا. علاقه داشتم، به دام علاقه داشتم خصوصاً به دام، به گوسفند علاقه داشتم. با اینکه ضرر می‌کنیم، حیون‌داری رو دوست دارم (مرد، ۳۸ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)
		حالا هر کی می‌رسه به سن و سال ما، الان وضعشون از ما بهتره. می‌رسن به ما و میگن شما موندین روستا این وضع رو دارید این جور شدید. ما شرایطمون بهتره. گفتم باشه من شغلمو دوست دارم. من یه لحظه هوای صحرا رو نمی‌دم به کل تهران (مرد، ۴۵ ساله، سرپرست واحد بهره‌برداری)
		من عاشق کشاورزی‌ام. اصلاً آرزومه که یه گلخونه داشته باشم. حیاط خونمون خیلی کوچیکه، ولی کلی چیز کاشتم توی حیاط. هر کی میاد خونمون میگه آخه چطور توی این یه ذره جا این همه محصول کاشتی (زن، ۲۵ ساله، دختر کشاورز)

منبع: یافته‌های کدگذاری فرضیه‌ای/خروجی نرم‌افزار مکس کیودی ای ۲۰۱۸

پس از کدگذاری کیفی و به کمک نرم افزار مکس کیودی ای و نوار ابزار مکس مپ<sup>۱</sup> مدل مفهومی زیر با مقوله های اصلی و فرعی ترسیم شد که نشان دهنده جایگاه شکل های مختلف سرمایه یعنی سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین در پایداری نسلی نظام بهره برداری خانوادگی است. قطر خط های خاکستری که از مقوله های اصلی به مقوله های فرعی کشیده شده اند، نشان دهنده میزان اهمیت هر یک از مقوله ها از دیدگاه مصاحبه شونده هاست؛ برای مثال در مقوله اصلی سرمایه فرهنگی، از میان سه مقوله فرعی، خط کشیده شده به مقوله فرعی سرمایه فرهنگی تجسید یافته پررنگ تر و نشان دهنده اهمیت بیشتر آن در حفظ و احیای کسب و کار کشاورزی خانوادگی است.



مدل ۱. مدل مفهومی جایگاه انواع سرمایه در پایداری نسلی نظام بهره برداری خانوادگی

منبع: خروجی و نقشه مکس کیودی ای ۲۰۱۸



## بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر فشارهای اقتصادی بسیاری به کشاورزان روستایی به‌ویژه کشاورزان خانوادگی در مزارع کوچک مقیاس تحمیل شده است. کشاورزان مجبور بوده‌اند با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انطباق پیدا کنند و برای حفظ کسب‌وکار خود در مقابل کاستی‌های بازار، راهبردهای متفاوت و خاصی به‌کار ببرند. هرچند همچنان به‌دلیل مشکلات ساختاری عمده با طیف وسیعی از چالش‌ها روبه‌رو هستند.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، همه شکل‌های سرمایه برای کسب‌وکار مزرعه خانوادگی مهم است و همه اعضای خانواده به پیشبرد کلی کسب‌وکار خانوادگی کمک می‌کنند. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد کشاورزان و خانواده‌های آن‌ها به شکل‌های گوناگونی از سرمایه دسترسی دارند و از آن‌ها استفاده می‌کنند. به‌استثنای سرمایه اقتصادی، کشاورزان ممکن است از اهمیت دیگر شکل‌های سرمایه، یا حتی استفاده از آن‌ها آگاه نباشند؛ برای مثال، عضو یک خانواده ممکن است از نظر اقتصادی نوعی نیروی کار در نظر گرفته شود و از این واقعیت آگاه نباشد که افراد مهارت و دانش دارند (سرمایه فرهنگی) و بخشی از شبکه‌های ارزشمند محسوب می‌شوند (سرمایه اجتماعی). کشاورزان به‌کمک سرمایه اجتماعی و ارتباط با یکدیگر به‌ویژه ارتباط با پیش‌روها یعنی افرادی که با سازمان‌های دولتی متولی کشاورزی از جمله جهاد کشاورزی در ارتباط هستند و شیوه‌های جدید کشت محصولات را پیش از تمام روستاییان انجام می‌دهند، از شیوه‌های جدید کشاورزی آگاه می‌شوند. تمامی شکل‌های سرمایه همواره میان خانواده و کسب‌وکار منتقل می‌شوند؛ برای مثال پدر به پسر خود نحوه اجرای کسب‌وکار را آموزش می‌دهد (اشتراک‌گذاری سرمایه فرهنگی خانوادگی) و در عوض فرزندان در مزرعه کار می‌کنند؛ از این‌رو در هزینه نیروی کار صرفه‌جویی می‌شود (سرمایه اقتصادی). اگر فرزندان به دانشگاه رفته باشند (سرمایه فرهنگی نهادی) ایده‌های جدید وارد اجرای کسب‌وکار می‌شود. شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی) برای کشاورزان و خانواده‌های آن‌ها اهمیت دارند، اما در سال‌های اخیر ضعیف شده‌اند. سرمایه اجتماعی سازوکاری برای گردهم‌آوردن افراد و تشویق آن‌ها به صحبت‌کردن با یکدیگر و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات است. سرمایه نمادین برای کشاورزان و خانواده‌های آن‌ها بسیار مهم

است. مزرعه و هر چیزی که به آن تعلق دارد، نماد سهم خانواده در کسب و کار خانوادگی و سنت خانوادگی کشاورزی است. مزرعه پایگاهی اجتماعی در میدان کشاورزی برای کشاورز فراهم می‌کند که قابل گذار از نسلی به نسل دیگر است. تمامی شکل‌های دیگر سرمایه برای هدف ابتدایی تضمین بقای کسب و کار خانوادگی به کار می‌روند. انتقال کسب و کار یکی از اولویت‌های مهم بسیاری از کشاورزان است و نشان می‌دهد که چرا بسیاری از کسب و کارهای مزرعه خانوادگی از گذار بین نسل‌ها جان سالم به در می‌برند.

کشاورزان گروهی هستند که تحت سلطه نهادهای قدرتمند قرار دارند. در نتیجه، از سوی بازیگران دیگر میدان تحت فشار هستند. قدرت موجب ایجاد تنش بین گروه‌های مختلف می‌شود و بر نقش‌ها در میدان و قوانین بازی تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها به تضعیف همکاری‌های بین‌گروهی (همکاری نهادهای دولتی که در میدان کشاورزی خانوادگی نقش بازی می‌کنند مانند جهاد کشاورزی و بانک کشاورزی با کشاورزان) و کمک‌های افراد به یکدیگر اشاره کردند. کشاورزان احساس می‌کنند در میدان ناتوان شده‌اند؛ در حالی که گروه‌های غالب به‌ویژه دلان قادرند از تولید محصولات کشاورزی به راحتی کسب درآمد کنند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در مقایسه کسب و کار کشاورزی خانوادگی در حال حاضر با شرایط کار کشاورزی در گذشته سرمایه اجتماعی روستایی تا حدی تضعیف شده است. در حالی که در کسب و کارهای خانوادگی، شبکه‌های فردی در کنار شبکه‌های کاری می‌توانند برای حل مشکلات کسب و کاری به کار روند. به بیان دیگر در کسب و کار کشاورزی خانوادگی به دلیل آنکه اعضای خانواده علاوه بر روابط خانوادگی روابط کاری نیز با هم دارند، می‌توانند از سرمایه اجتماعی یکدیگر برای گسترش کسب و کار کمک بگیرند. به همین دلیل تقویت سرمایه اجتماعی خانوادگی اهمیت چشمگیری برای پیشرفت کسب و کار کشاورزی خانوادگی دارد.

منتقدان بورديو استدلال می‌کنند نظریه او بیشتر در مورد بازتولید اجتماعی است تا تحول اجتماعی. استدلال تکرار مکررات<sup>۱</sup>، نادیده گرفتن نقش اقدام جمعی و تمایل نداشتن به در نظر گرفتن تحولات تاریخی در مرکز این نقد است (واکوانت، ۱۹۸۹؛ دی ماجیو، ۱۹۷۹؛ بارنارد و همکاران، ۱۹۹۰). در مقابل گارنهام و ویلیامز (۱۹۸۰) با این نقدها مقابله کرده و

---

## 1. Tautological reasoning

اشاره می‌کنند که طرح بورديو از نظریه عملکرد به چنین نگرانی‌هایی پرداخته است و نشان می‌دهد بازتولید اجتماعی در برخی شرایط رخ نداده است، اما می‌توان فرایند تغییر اجتماعی را مشاهده کرد (رایدیک و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۹-۸۰).

بورديو بیان می‌کند که بازیگران اجتماعی مدام در تلاش هستند و از راهبردهای گوناگونی برای حفظ یا بهبود موقعیت خود در فضای اجتماعی استفاده می‌کنند. راهبردهای بازتولید، شیوه‌های طراحی شده برای حفظ موقعیت است. درحالی‌که راهبردهای تبدیل مجدد<sup>۱</sup> برای دستیابی به حجم بالاتر سرمایه یا انواع جدید سرمایه و تغییر دادن میدان عملکرد به کار می‌روند (ماهر و همکاران، ۱۹۹۰؛ بورديو ۱۹۸۴: ۶۸-۱۲۵). یافته‌های تحلیل حاضر نشان می‌دهد درحالی‌که نسل قدیم کشاورزان (کشاورزان سالمند) با تأکید بر دانش سنتی (سرمایه فرهنگی)، راهبردهای بازتولید را برای حفظ موقعیت موجود به کار می‌برند، نسل جدید کشاورزان (جانشینان) با استفاده از سرمایه اقتصادی واحد بهره‌برداری خانوادگی (زمین، باغ، ادوات کشاورزی) و به‌کاربردن سرمایه اقتصادی خود (نیروی کار) به کمک راهبردهای تبدیل مجدد، درآمدهای اولیه حاصل از کشاورزی خانوادگی را از نو در کسب‌وکار کشاورزی خانوادگی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. این سرمایه‌گذاری مجدد به صورت خریداری زمین‌های بیشتر، خرید دام یا ادوات کشاورزی ضروری، یا حتی کار روی زمین‌های افرادی که در روستا ساکن نیستند، بدون پرداخت اجاره است که به بهبود عملکرد واحد بهره‌برداری و سودآوری اقتصادی بیشتر کمک می‌کند. با این کار گستره عملکرد واحد بهره‌برداری بیشتر و در نتیجه سرمایه اقتصادی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، نسل جدید کشاورزان با متنوع‌سازی فعالیت‌های کشاورزی (دامداری، باغداری و مرغداری در کنار زراعت) بر سرمایه اقتصادی واحد می‌افزایند. شروع چنین فرایندی از سوی نسل جدید کشاورزان به سرمایه نمادین، اجتماعی و فرهنگی نسل قدیم نیاز دارد. جانشینان به کمک سرمایه اجتماعی و حمایت‌های اعضای خانواده (عاطفی، روانی، مادی و نیروی کار) سرمایه اقتصادی را در فرایند تولید محصولات کشاورزی به کار می‌برند و با ترکیب سرمایه فرهنگی نسل قدیم (دانش سنتی و تجارب) و سرمایه فرهنگی خود (سرمایه فرهنگی خانوادگی یا عادت‌واره و دانش مدرن)

بهره‌وری سرمایه را افزایش می‌دهند و با سرمایه‌گذاری مجدد نقدینگی حاصل در کسب‌وکار مزرعه خانوادگی به افزایش سرمایه اقتصادی کمک می‌کنند. این فرایند در کسب‌وکارهایی پیش می‌رود که حداقل یک جانشین برای مزرعه خانوادگی مشخص شده باشد. در واقع واحدهای بهره‌برداری که جانشین مشخصی ندارند، راهبردهای بقا را ادامه می‌دهند. به تدریج با ازکارافتادگی یا فوت بهره‌بردار، واحد بهره‌برداری از چرخه تولید کشاورزی خارج می‌شود و زمین‌های تقسیم‌شده بین وراثت یا به صورت بایر درمی‌آید، یا به فروش می‌رسد، یا به شکلی خاص در اختیار کشاورزان ساکن روستا قرار می‌گیرد.

## منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*، تهران: اطلاعات.
- ایروانی، هوشنگ و دربان‌آستانه، علیرضا (۱۳۸۳)، «اندازه‌گیری، تحلیل و تبیین پایداری واحدهای بهره‌برداری (مطالعه موردی: گندم‌کاران استان تهران)»، *مجله علوم کشاورزی ایران*، شماره ۱: ۳۹-۵۲.
- بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه (۱۳۸۹)، *کشاورزی برای توسعه*، ترجمه هوشنگ ایروانی و حجت ورمزیاری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اصفهان (۱۳۸۶)، *طرح هادی روستای قودجان*، حوزه معاونت عمران روستایی، دفتر امور فنی و تهیه طرح‌ها، مشاور: حمید احمدی دستجردی.
- حریری، نجلا (۱۳۸۴)، *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- سگالن، مارتین (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۱)، *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شیخی، عبدالمجید (۱۳۸۵)، «برآورد زیان‌های اقتصادی واحدهای بهره‌برداری خرد و سنتی، همایش نظام بهره‌برداری خرد و دهقانی»، در *مجموعه مقالات همایش نظام‌های بهره‌برداری خرد و دهقانی*، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، وزارت جهاد کشاورزی: ۳۲-۳۴.
- طالب، مهدی (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- کتابچه راهنمای مکس کیودا ۱۱ (۱۳۹۶)، *مکس کیودی‌ای ۱۱*، هنر تجزیه و تحلیل متن: کتابچه مرجع کاربران برای ویندوز، ترجمه یحیی علی بابایی و همکاران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کرباسی، علیرضا و نودهی، مبارک (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط بین اندازه مزارع و بهره‌وری تولید کشاورزی در ایران»، *مجموعه مقالات همایش نظام‌های بهره‌برداری خرد و دهقانی*، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، وزارت جهاد کشاورزی: ۴۲-۴۴.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، *سرشماری عمومی کشاورزی*، <https://www.amar.org.ir>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، *سرشماری عمومی کشاورزی*، <https://www.amar.org.ir>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، *سرشماری نفوس و مسکن*، <https://www.amar.org.ir>
- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ سوری، فرشاد و چراغی، مهدی (۱۳۹۵)، «تحلیل پایداری رابطه میان نظام بهره‌برداری خانوادگی و امنیت غذایی در نواحی روستایی دهستان غنی بیگلو زنجان»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۱: ۱۹۷-۲۰۹.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و همکاران، (۱۳۸۹)، «تحلیل پایداری نظام‌های بهره‌برداری زراعی خانوادگی و تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا)»، *فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، شماره ۳: ۳۲۳-۳۳۳.
- نیکدخت، رضا؛ کرمی، عزت‌اله و احمدوند، مصطفی (۱۳۸۶)، «واکاوای مقایسه‌ای پایداری در نظام‌های دامداری سنتی؛ مورد مطالعه: دامداران شهرستان فیروزآباد»، *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، شماره ۴۱: ۴۳۳-۴۴۱.
- واکوانت، لویک (۲۰۰۲)، *پیر بوردیو؛ در: استونز*، راب (۱۳۷۹)، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- وثوقی، منصور (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی روستایی*، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات کیهان.
- Barnard, H. et al. (1990), "Conclusion: Critique", In: **An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory**, edited by R. Harker, C. Mahar, and C. Wilkes. New York: St. Martin's Press.
- Beckhard, R., and Dyer, W. G. (1983), "Managing Change in the Family Firm: Issues and Strategies", **Sloan Management Review**, No. 24: 59-65.
- Bertaux, D., and Thompson, P. (2005), **Between Generations: Family Models, Myths and Memories**, 2nd ed., Transaction Publications, Edison, NJ.

- Bourdieu, P. (1977), **Outline of a Theory of Practice**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1984), **Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste**, Translated by Richard Nice. London: Routledge, Kegan Paul.
- Bourdieu, P. (1986), **The Forms of Capital**, In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, (pp. 241–58). Greenwood, NY: Greenwood Publishing Group.
- Bourdieu, P. and L. L. J. Wacquant. (1992), **A Invitation to Reflexive Sociology**, Chicago: The University of Chicago Press.
- Boys, K. A., Ollinger, M., and Geyer, L. L. (2015), “The Food Safety Modernization Act: Implications for U.S. Small Scale Farms”, **American Journal of Law and Medicine**, No. 41: 395-405.
- Boys, K. A. and Hughes, D. V. (2013), “A Regional Economics-Based Research Agenda for Local Food Systems”, **Journal of Agriculture Food Systems and Community Development**, No. 145: 145-150.
- Burton, R. J. F. (2004), “Reconceptualising the ‘Behavioral Approach’ in Agricultural Studies: A Socio-Psychological Perspective”, **Journal of Rural Studies**, No. 1: 359-371.
- Carlson, A. (2008), “Agrarianism Reborn: On the Curious Return of the Small Family Farm”, **Intercoll. Rev.**, Vol. 1, No. 43: 13-23.
- Chirico, F., and Nordqvist, M. (2010), “Dynamic Capabilities and Trans-Generational Value Creation in Family Firms: The Role of Organisational Culture”, **International Small Business Journal**, No. 5: 487-504.
- Clarke, E. (2000), “The Role of Social Capital in Developing Czech Private Business”, **Work, Employment and Society**, No. 3: 439-458.
- Comstock, G. (1987), **Is There a Moral Obligation to Save the Family Farm?** Iowa State University Press, Ames.
- Conger, R. et al. (1994), **Families in Troubled Times: Adapting to Change in Rural America**. In: *Social Institutions and Social Change*, Transaction Publishers.
- Constance, D. H. et al. (2014), **Economic Concentration in the Agrifood System: Impacts on Rural Communities and Emerging Responses**, In: Bailey, C., Jensen, L., Ransom, E., Morgantown, W.V. (Eds.), *Rural America in a Globalizing World*, West Virginia University Press.
- Curry, D. et al. (2002), **Farming and Food a Sustainable Future**, Report of the Policy Commission on the Future of Food and Farming, Available at: <http://cabinetoffice.gov.uk/farming>
- Dimaggio, P. (1979) “Review Essay: On Pierre Bourdieu”, **American Journal of Sociology**, 84: 1460–1474.
- Dinapoli, Th. P., (2015), **The Importance of Agriculture to the New York State Economy**, New York State Comptroller, US. [http://osc.state.ny.us/reports/Importance\\_Agriculture\\_Ny.Pdf](http://osc.state.ny.us/reports/Importance_Agriculture_Ny.Pdf) (Accessed 2 June 2015)

- Dyer, W. G. Jr. and Dyer, W. J. (2009), "Putting the Family Into Family Business Research", **Family Business Review**, No. 3: 216-219
- Dyer, W. G. Jr., and Dyer, W. J. (2009), "Putting The Family Into Family Business Research", **Family Business Review**, No. 3: 216-219.
- FAO (2014), **Innovation in Family Farming**, Are Available on the FAO Website <http://fao.org/publications>
- FAO. (2013b), **International Year of Family Farming 2014. Master Plan**, Rome Available at [http://fao.org/fleadmin/user\\_upload/iyff/docs/Final\\_Master\\_Plan\\_IYFF\\_2014\\_30-05.Pdf](http://fao.org/fleadmin/user_upload/iyff/docs/Final_Master_Plan_IYFF_2014_30-05.Pdf)
- Farmer, J. R., and Bertz, M. E. (2016), **Rebuilding Local Foods in Appalachia: Variables Affecting Distribution Methods of West Virginia Farms**, *J. Rural Stud.* 45, 34e42.
- Field, J. (2003), **Social Capital**, Routledge, New York, NY.
- Furstenberg, F. (2005), "Banking on Families How Families Generate Social Capital", **Journal of Marriage and Family**, Vol. 67 No. 4: 809-821.
- Garnham, N., and Williams, R. (1980), "Pierre Bourdieu and the Sociology of Culture: an Introduction", **Media, Culture and Society**, No. 34: 209-223.
- Gasson, R., and Errington, A. (1993), **The Family Farm Business**, CAB International, Oxon
- Gasson, R., Errington, A., and Tranter, R. (1998), **Carry on Farming a Study of How English Farmers Have Adapted to the Changing Pressures on Farming**, Wye College Press, Ashford.
- Gersick, K. E. et al. (1997), **Generation to Generation: Lifecycles of Family Business**, Harvard Business School Press, Boston, MA.
- Grant, M. J. (2002), **Down and out on the Family Farm: Rural Rehabilitation in the Great Plains, 1929-1945**, University of Nebraska Press, Lincoln.
- Gray, M. (2013), **Labor and the Locavore: The Making of a Comprehensive Food Ethic**, University of California Press, Berkley.
- Jenkins, R. (1992), **Pierre Bourdieu**, Routledge, London.
- Lin, N. (2001), **Social Capital a Theory of Social Structure and Action**, Cambridge University Press, Cambridge.
- Lobley, M. et al. (2002), **Implications of Changes in the Structure of Agricultural Businesses**, Research Report Prepared for DEFRA, University of Plymouth, Plymouth.
- Mahar, C., Harker, R., and Wilkes, C. (1990), **The Basic Theoretical Position**, PP. 1-25 in an Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory, Edited by R. Harker, C. Mahar, And C. Wilkes. New York: St. Martin's Press.
- Martin, C., Martin, L., and Mabbett, A. (2002), **SME Ownership Succession – Business Support and Policy Implications**, Knowledge Management Centre, Business School, University of Central England, Birmingham, Available at:
- **MAXQDA 12 Reference Manual**, (2014), Available at: <http://maxqda.com>



- Raedeke, A. H. et al. (2003), "Farmers, The Practice of Farming and the Future of Agroforestry: An Application of Bourdieu's Concepts of Field and Habitus", **Rural Sociology**, No. 68, Vol. 1: 64–86
- United States Department of Agriculture, (2014), Selected Charts 2014: Ag and Food Statistics: Charting the Essentials, **USDA Economic Research Service**. <http://ers.usda.gov/media/1669374/ap067.pdf> (Accessed 2 June 2015).
- Vissa, B., and Bhagavatula, S. (2012), "The Causes and Consequences of Churn in Entrepreneurs Personal Networks", **Strategic Entrepreneurship Journal**, No. 3: 273-289.
- Wilkinson, D., and Birmingham, P. (2003), **Using Research Instruments: A Guide for Researchers**, London: Routledge.